

درس دوم

پنجره های شناخت

نوع نثر : ساده و روان

واژه ها :

خلقت : آفرینش

جالب : آنچه علاقه ی کسی را به خود جلب می کند - در خور توجه

عجله : شتاب کردن در کاری

درنگ : صبر ، توقف ، تاخیر

لابد : گویا ، انگار

فهم : فهمیدن و دریافتن چیزی

شبهت : شبیه بودن ، همانند بودن

پدیده : آن چه وجود دارد ، چیز

پسندیده : خوب ، نیکو

مشاهده : دیدن ، با چشم دیدن

عملکرد : فعالیت ، حاصل و نتیجه ی کاری

کشف : آشکار شدن ، پی بردن به وجود چیزی

تفکر : اندیشه ، اندیشیدن

به راستی : به درستی

اشیا : چیزها ، شی ها

پایبند باشیم : عهده دار باشیم

شگفت زده : همراه با تعجب

موضوع : مطلب ، آنچه درباره آن گفتگو می شود

هراسیدن : ترسیدن

معنی نثرها :

- ما با شناخت خود و شناخت خلق و خلقت سرانجام به خالق همه ی این ها ایمان می آوریم
 - ما با خود شناسی و شناختن خودمان و شناخت مردم و آفریده های آفرینش ، عاقبت به آفریننده ی واقعی (خداوند) ایمان می آوریم
 - هر کس تنها به خود تکیه کند و خودبینی را پیشه سازد به شناخت خالق دست نمی یابد به همین سبب خود با خالق ارتباطی ندارد
- هر کسی فقط به خودش تکیه و تاکید کند و سرگرم خود پسندی و خودخواهی شود نمی تواند خداوند را بشناسد به همین سبب انسان خودبین و خودخواه نمی تواند به خداوند نزدیک شود
- خودبینی : خودخواهی مغرور بودن
- پیشه سازد : کار خود قرار دهد

به فکر فرو رفته بود : مشغول فکر کردن شده بود
در این درس تاکید شده است که انسان باید در مرحله اول وجود خود را بشناسد و از غرور و خودخواهی فاصله بگیرد
تا به وجود گران قدر خداوند پی ببرد و با خداوند ارتباط برقرار کند

بخوان و حفظ کن
ای مادر عزیز
قالب شعر : غزل
شاعر : ابوالقاسم حالت

واژه ها :

لطف : مهربانی ، مدارا ، نیکویی	صفا : پاکی ، یک رنگی ، صمیمیت
محبت : دوست داشتن کسی ، دوستی	همپایه : برابر ، هم ردیف ، مساوی
برون : مخفف بیرون	سرا : خانه
سهل : آسان ، ساده	خشنودی : راضی بودن ، خوش حال بودن
مایه : منشا ، موجب ، مقدار	رضا : رضایت ، خشنود
سرا : خانه	اختیار : آزادی عمل

معنی ابیات :

- ای مادر عزیز و گرامی ، که جان من فدای تو شود
جان من فدای مهربانی و یک رنگی و پاکی تو شود

نکته : در پایان هر مصراع فعل حذف شده است

- عشق و محبت یاران و دوستان قدیمی هیچ وقت
به اندازه ی عشق و مهربانی تو نمی شود و عشق و مهربانی تو بی نظیر است

نکته : محبت یاران و دوستان نهاد است

بیت یک جمله دارد

- مهر و محبت تو از وجودم پاک نمی شود و همیشه باقی می ماند
این قلب من خانه تو و دلم جایگاه تو و محبت تو است

نکته : در مصراع دوم منظور از خانه همان سینه (قلب) است که جایگاه محبت و مهربانی می باشد

- ای مادر عزیز که مرا به دنیا آورده ای و به من زندگی تازه بخشیدی
اگر من اکنون خودم را برای تو فدا کنم کار ساده و آسانی است

نکته : ای نشانه ی ندا – مادر عزیز منادا
مرا : به من (را حرف اضافه ی به است)

- خوش حالی و رضایت تو موجب خوش حالی من می شود
زیرا راضی بودن تو سبب می شود که خدا هم از من راضی و خوشحال شود

نکته : بُودَ زمان حال است و به معنی می باشد است این فعل را با فعل بود که زمان گذشته است اشتباه نکنید
دو واژه رضا به ترتیب نهاد و متمم هستند

- اگر اختیار تمام نعمت های جهان در دست من بود
تمام آن ها را به خاطر مهربانیت به تو هدیه می کردم

نکته : چیزی را به پای کسی ریختن کنایه از هدیه و نثار کردن آن چیز است
حالت ، ابوالقاسم (۱۳۷۱ ، ۱۲۹۸ ه ش)

شاعر ، مترجم و محقق توانای معاصر است . وی از سال ۱۳۱۴ به شعر و شاعری روی آورد و در زمینه موسیقی اصیل ایرانی نیز فعالیت داشت و سراینده ی نخستین سرود جمهوری اسلامی ایران بود .
از وی آثار ادبی و فرهنگی فراوانی در زمینه طنز ، شعر و ادبیات و ترجمه باقی مانده است . دیوان حالت از جمله آثار اوست که نمایانگر عمق و دانش ادبی وی می باشد

بخوان و بیندیش

هدهد

نوع نثر : ساده و روان

برگرفته از کتاب سندباد نامه ، محمد بن ظهیری سمرقندی

واژه ها :

هدهد: پرنده ای به اندازه ی کبوتر با منقاری باریک و خمیده و	معلوم : آشکار ، مشخص
سری کوچک و بدنی به رنگ قهوه ای که تارجی از پر بر سر	
دارد ، پوپک ، شانۀ به سر	
ساده : خوش باور ، زود باور	تله : دام
امثال : ماندها ، افرادی که مثل هم هستند	بیهوده : بی فایده
فریب : گول زدن	هوا : در این درس به معنای قصد و نیت
طمع : زیاده خواهی	خلوت : تنهایی ، دوری کردن از دیگران
غفلت : نادانی ، بی خبری	

معنی :

- ناگهان به هوای دانه و به طمع خوراک به دام می افتند
یک دفعه به قصد خوردن دانه و به خاطر حرص و طمع خوراک ، گرفتار می شوند و در دام می افتند

من حواسم جمع جمع است : من کاملا دقت و توجه دارم

معنی بیت ها :

- پرنده ی باهوش که دام فرار می کرد و در دام نمی افتاد
عاقبت با همه زرنگی و باهوشی در دام گرفتار شد
- دیدی که آخر به طمع دانه خودت را گرفتار کردی
دیدی که عاقبت به خاطر حرص و زیاده خواهی در دام افتادی و گرفتار شدی

مفهوم نثر این است که انسان ها در زندگی باید با عقل و اندیشه به کارها پردازند تا از دام غفلت و گرفتاری ها در امان باشند اغلب گرفتاری ها به خاطر غفلت و نادانی یا غرور و خودخواهی است بنابراین باید با خرد و هوشیاری بسیار به کارها پردازیم تا در دام غرور گرفتار نشویم

سند باد نامه ی محمد بن علی ظهیری سمرقندی

سندباد نامه یا کتاب حکیم سند باد یا داستان هفت وزیر داستانی قدیمی است که این داستان را از موضوعات سندباد حکیم هندی می دانسته اند

هم خانواده :

عجله : عجله	خلقت : خالق : مخلوق
تفکر : فکر ، افکار	فهم : مفهوم ، فهیم
اشیا : شی	شباهت : شبیه : تشابه
کشف : کاشف	مشاهده : شاهد ، مشهود
رضا : رضایت	لطف : الطاف ، لطیف
غفلت : غافل	فریب : فریبا ، فریبنده

مخالف :

عجله : صبر، تاخیر	خالق : مخلوق
پسندیده : ناپسند ، بد	شباهت : اختلاف ، مختلف بودن
محبت : دشمنی ، نامهربانی	سهل : سخت
رضایت : نارضایتی ، ناخشنودی	برون : درون
غفلت : دانایی ، باخبری	معلوم : پنهان

مای دارس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir